

بررسی سندی و دلالتی روایت «وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ» در پرتو سنت‌های قرآنی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۱

محمد میرزائی^۱

علی اکبر حبیبی مهر^۲

چکیده

روایات قیام قائم آل محمد علیهم‌السلام بخشی از تراث مکتوب حدیثی مسلمانان است. بدون در نظر گرفتن مفهوم درست و شرایط ویژه عصر قیام، روایات گاهی ناباورانه و گاهی از باب معجزه جلوه می‌کند. امام باقر علیه‌السلام فرمود: هنگامه قیام قائم ما، خداوند دستش را بر سر مردم نهاده، عقول آنان تجمیع و حلم آنان کامل می‌شود. این مقاله در صدد بررسی سندی و دلالتی این روایت و سپس صحت دلالتی آن در پرتو سنت‌های الهی در دنیا است. روش مقاله، توصیفی-تحلیلی است و از منابع کتابخانه‌ای فراهم آمده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد رشد علمی و تجارب تلخ و شیرین بشر، زمینه‌ساز رحمت الهی است و خود مقدمه امدادهای غیبی برای کسانی است که قابلیت آن را تحت مدیریت و رهبری امام زمان علیه‌السلام پیدا کنند. روایت صحیح است و دست خدا بر سر بندگان کنایه از رحمت الهی با قالب‌های گوناگون و پس از قیام به واسطه امام زمان علیه‌السلام است. رخدادهای عصر قیام با نگاه فوق، منطبق با سنت‌های الهی در قرآن است. کلیدواژه: قائم علیه‌السلام، قیام قائم علیه‌السلام، رشد عقلانیت، وضع ید الله، روایت، سنت‌های قرآنی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد (mirzaee6515@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه رضوی (ali7213@mailfa.com).

طرح مسأله

موضوع مهدویت و قیام قائم آل محمد علیهم السلام بر اساس روایات مشترک فریقین به منظور اقامه عدل و قسط حتمی الوقوع است.^۳ وقوع اوضاع متفاوت علمی، انسانی و پدیده‌های گوناگون در طبیعت - که غالباً اعجازگونه و کم نظیر است - در روایات زیادی یاد شده است. آقای کورانی مجموعه این روایات را از منابع فریقین در کتاب معجم خود در پنج جلد آورده است. یکی از این روایات، فروهستن دست خداوند و یا دست بقیه الله الاعظم علیهم السلام بر سر عباد است که نتیجه آن به تعبیر روایت، جمع عقول و کمال احلام است که در مقاله بدان پرداخته‌ایم. سؤال این است که این روایت به لحاظ سندی چه جایگاهی دارد و محتوای آن بیان‌گر چیست؟ در صورت صحت سند و محتوا، آیا با سنت‌های ثابت الهی در دنیا مانند سنت انتخاب آزادانه سرنوشت توسط انسان،^۴ امدادها و کمک‌های مشروط الهی^۵ و... در تعارض نخواهد بود؟ با آن که این روایت در منابع متعدد و تا حدودی متفاوت آمده است، در محدوده مطالعات نگارنده، فقه الحدیث آن به شکل جداگانه پژوهش نشده و مهم‌تر از آن، امکان و چگونگی تحقق چنین روایاتی با سنت‌های ثابت و لایتنغیر الهی سنجش نشده است. فرضیه نگارنده آن است که در صورت صحت روایات مذکور، تحقق آن‌ها نباید خارج از دایره آیات قرآن و سنت‌های خداوند در دنیا باشد. نگارنده به منظور دست‌یابی به پاسخ پرسش‌های فوق، ابتدا با بررسی سند به بررسی بندهای روایت در نگاه شارحان و حدیث پژوهان و نقد موارد مشکل پرداخته و آن‌گاه تحقق محتوای روایت را با آیات قرآن - که بیان‌گر سنت‌های ثابت الهی است - سنجش نموده است.

پیشینه بحث

نگارش درباره مهدی علیه السلام و مهدویت به سالیان پیش از زادن روز حضرت بقیه الله علیها السلام مانند: المصنف صنعانی (م ۲۱۱ق)، الفتن نعیم بن حماد (م ۲۲۹ق)، الکتاب المصنف فی الاحادیث والاثرا بن ابی شیبیه (م ۲۳۵ق) و... برمی‌گردد؛ لیکن درباره تحولات قبل یا بعد از عصر ظهور می‌توان به مقاله‌های «عصر ظهور و نقش آن در تحولات بنیادین خانواده» رحیم کارگر و محمد علی اخویان و «جهان پس از امام مهدی علیه السلام» محمد کاظم رحمان ستایش و

۳. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۸۱-۱۰۴.

۴. سوره انفال، آیه ۴۲؛ سوره انسان، آیه ۳.

۵. سوره محمد، آیه ۷؛ سوره بقره، آیه ۲۱۴.

منیره قضاوی و «توسعه فرهنگی در عصر ظهور و چشم انداز آن در جامعه منتظر» رحیم کارگر اشاره کرد؛ اما در موضوع این حدیث تنها دو مقاله به نام «گونه شناسی آثار عقلانی در عصر ظهور» و «تمرکز و تکامل عقول در عصر ظهور» از آقایان جواد جعفری و روح الله دریکوندی نگاشته شده است که تفاوت و تمایز مقاله پیش رورا ذیل چند محور بیان می‌کنیم:

۱. دست‌یابی به سه طریق برای متن حدیث که همه آن‌ها هم صحیح‌السند ارزیابی شده؛ در حالی که در مقاله «تمرکز و تکامل عقول در عصر ظهور» به دو طریق دست یافتند که تنها یکی از آن‌ها صحیح ارزیابی شده است؛ به خصوص از منظر قدمایی است که معیار آن‌ها وثوق به صدور روایت است.^۶

۲. اشاره به برخی فرق مانند وهابیت در بحث دلالتی، بررسی احتمال تصحیف لفظ الله در «وضع الله یده» در روایت کلینی توسط وراقان با دیدن نسخ و ضبط‌های گوناگون حدیث، مشخص کردن دایره عباد و بررسی و شرح این حوادث در پرتو سنت‌های الهی از دیگر تمایزات مقاله پیش رو نسبت به مقالات یاد شده فوق است.

اصل حدیث

این حدیث مسند در روایات از طریق دو نفر از محمدون ثلاث (کلینی و صدوق) و سعد بن عبدالله اشعری قمی در منابع اولیه حدیثی با تعابیر متفاوت از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

۱. با سند متصل از ثقة الاسلام کلینی:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشَائِءِ، عَنِ الْمُتَنَّى الْحَنَاطِ، عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعْمَشِيِّ، عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْقُوبٍ، عَنْ مَوْلَى لَبْنِي شَيْبَانَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا، وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا عُقُوبَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ».^۷

۲. با سند متصل از شیخ صدوق:

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ، عَنِ الْمُتَعَلَّى بْنِ مُحَمَّدِ الْبَصْرِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَائِءِ، عَنِ مُتَنَّى الْحَنَاطِ، عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعْمَشِيِّ، عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْقُوبٍ، عَنْ مَوْلَى لَبْنِي شَيْبَانَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُوبَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَخْلَامَهُمْ».^۸

۶. الاجتهاد والتقليد، ص ۱۷۸.

۷. الكافي، ج ۱، ص ۵۷؛ الوافي، ج ۱، ص ۱۱۴؛ إنبات الهداة، ج ۵، ص ۶۱.

۸. كمال الدين وتمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۵.

۳. قطب راوندی با سند متصل از کتاب بصائر الدرجات سعد بن عبدالله اشعری قمی:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ، عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَابُلِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُوبَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ».^۹

تفاوت «اخلاقهم» در روایت فوق به جای «احلامهم» در روایت قبلی ممکن است اشتباه نسخ باشد.^{۱۰} سعد گویا این کتاب را به پیروی از کتاب بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار نگاشته که موضوع آن هم فضایل و مناقب ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است.^{۱۱} هر چند کتاب سعد بن عبدالله اشعری قمی در دسترس نیست،^{۱۲} ولی این حدیث در خلاصه کتاب سعد بن عبدالله به نام مختصر البصائر از حسن بن سلیمان حلّی موجود و روایت مورد بحث بدین گونه نقل شده است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ، عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَابُلِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهِ عُقُوبَهُمْ، وَأَكْمَلَ بِهِ أَحْلَامَهُمْ».^{۱۳}

در انتساب هریک از کتاب های الکافی،^{۱۴} کمال الدین و تمام النعمة^{۱۵} و بصائر الدرجات^{۱۶} به کلینی، صدوق و سعد بن عبدالله اشعری قمی از نگاه اهل فن تردیدی وجود ندارد و ما را از بررسی واسطه ها تا خود این بزرگان بی نیاز می کند. به دلیل اشتراک روات حدیثی اول و دوم، بررسی رنجیره سند روایت اول و سوم، کفایت می کند:

بررسی سندی

تک تک راویان در این بررسی از نظر مذهب و وثاقت مورد پژوهش قرار گرفته و نتیجه نهایی اعلام شده است:

۹. الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۸۴۰.

۱۰. همان، پاورقی ص ۸۴۰.

۱۱. ویکی شیعه، عنوان سعد بن عبدالله اشعری قمی.

۱۲. الفهرست (للطوسی)، ص ۲۱۵.

۱۳. مختصر البصائر، ص ۳۱۹.

۱۴. الفهرست (للطوسی)، ص ۳۹۳.

۱۵. رساله ابی غالب الزاری، ص ۲۱۵.

۱۶. الفهرست (للطوسی)، ص ۲۱۵.

زنجیره روایت در سند حدیث اول و دوم

۱. محمد بن یعقوب کلینی در سند اول، از بزرگان شیعه و مورد وثوق همه عالمان است؛^{۱۷} به عنوان مثال، نجاشی گوید: ایشان موثق‌ترین مردم در حدیث و دارای بالاترین قدرت ضبط بوده و کتاب معروف و بزرگش کافی را در بیست سال تصنیف نموده است؛^{۱۸} همان‌گونه که تمامی رجالیان زبان به مدح محمد بن علی بن الحسین معروف به شیخ صدوق گشوده و از او به بزرگی یاد نموده‌اند.^{۱۹}

۲. جعفر بن محمد بن مسرور - که تنها در سند دوم آمده - همان محمد بن جعفر بن قولویه است. این احتمال را برخی نقل کرده‌اند.^{۲۰} بنابراین ایشان امامی، صحیح‌المذهب و ثقه هستند.^{۲۱}

۳. حسین بن محمد بن عامر ملقب به اشعری و قمی، امامی و ثقه است.^{۲۲}

۴. معلی بن محمد بصری هر چند توسط عالمان رجال عباراتی درباره ایشان نقل شده که موهوم قدح است،^{۲۳} اما بسیاری از عالمان متأخر روایات وی را قبول کرده و گفته نجاشی را مانع وثاقت او ندانسته‌اند؛^{۲۴} زیرا اولاً وی از مشایخ اجازه و صاحب کتاب‌های معتبر است.^{۲۵} ثانیاً مراد از سخن «مضطرب الحدیث يعرف وینکر» - که نجاشی فرموده - این است که برخی از روایات وی مطابق با اصول است. از این رو بین عالمان رجالی، شناخته شده و قابل عمل است و برخی دیگر از احادیثی که ایشان نقل نموده، همسوبا اصول نبوده، بنابراین روایاتی ناشناخته بوده که قابلیت عمل ندارد.^{۲۶} البته این سخن به نقل از عالمان این فن، درباره بسیاری از ثقات صدق می‌کند و مختص به ایشان نیست.^{۲۷} به عبارت دیگر، این

۱۷. رک: رجال النجاشی، ص ۳۷۷؛ الرجال (لابن داود)، ص ۳۴۱؛ رجال العلامة الحلی، ص ۱۴۷.

۱۸. رجال النجاشی، ص ۳۷۷.

۱۹. رک: همان، ص ۳۸۹؛ رجال العلامة الحلی، ص ۱۴۷؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۹.

۲۰. معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۹۱.

۲۱. رک: الفهرست (للطوسی)، ص ۱۰۹؛ رجال النجاشی، ص ۱۲۳.

۲۲. رک: رجال النجاشی، ص ۶۶.

۲۳. مضطرب الحدیث والمذهب وکتبه قریبة (رجال النجاشی، ص ۴۱۸). يعرف حدیثه وینکر (الرجال لابن الغضائری)، ص ۹۶.

24. <http://www.havzah.net/fa/Article/view/51167>

۲۵. رجال النجاشی، ص ۴۱۸.

۲۶. کتاب نکاح، ج ۲۴، ص ۷۶۱۰.

۲۷. همان، ج ۲۵، ص ۷۹۰۳.

تعبیر به این معنا نیست که ایشان گاهی جعل روایت می‌نموده، بلکه به این معناست که برخی منقولات ایشان عمل نمی‌شده است.^{۲۸} اولاً روایت مورد بحث ما در حیطه اعمال مکلفان نبوده و ثانیاً با توجه به جهات مورد بحثی که در این روایت می‌آید، می‌توان این حدیث را جزء دسته اول به شمار آورد. ثالثاً مرحوم کلینی در ۸۳۸ حدیث از حسین بن محمد بن عامر روایت کرده و به او اعتماد نموده و بیش از ۸۸ درصد روایات حسین بن محمد بن عامر (۶۲۹ حدیث) را از طریق معلی بن محمد بصری نقل کرده است.^{۲۹} شاید به جهت وجود همین قراین، عالمانی مانند: شبیری زنجانی^{۳۰} و خویی^{۳۱} تصریح به ثقه بودن ایشان کرده‌اند. لذا بعید به نظر می‌رسد که معلی بن محمد شخص ضعیفی باشد که به نقل حدیث او اعتنا نشود.^{۳۲} البته قراین دیگری مانند وجود نام ایشان در اسناد کامل الزیارات و تفسیر القمی (بنابر اختلاف مبانی در آن)^{۳۳} و این که نجاشی این تضعیف را از ابن غضائری گرفته، وجود دارد.^{۳۴}

ناگفته نماند که اضطراب ایشان در مذهب ثابت نشده،^{۳۵} لذا ما هم مانند برخی برای این باوریم که ایشان امامی مذهب بوده است.^{۳۶}

۵. ابامحمد حسن بن علی بن زیاد بجلی ملقب به الوشاء از بزرگان شیعه و ثقه است.^{۳۷}
۶. منتهی بن ولید - که شاید به جهت شغلش به حنَّاط (گندم فروش) ملقب شده - امامی

۲۸. همان.

۲۹. ر.ک: نرم افزار درایة النور

۳۰. کتاب نکاح، ج ۳، ص ۹۰۴؛ ج ۱۱، ص ۳۹۲۹؛ ج ۱۶، ص ۵۱۲۹؛ ج ۲۱، ص ۶۷۶۶؛ ج ۲۴، ص ۷۶۱۰؛ ج ۲۵، ص ۷۷۹۲ و ۷۹۰۳.

۳۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۲۸۰.

۳۲. درس خارج فقه (میرزا جواد تبریزی)، خارج فقه طهارت، ادامه فصل فی الماء الراكد: (<http://fa.tabrizi.org/1391/2/20/taharat-2/>)

۳۳. ر.ک: کامل الزیارات، النص، ص ۱۳۵ و ۱۴۰؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۰۱، ۴۱۷. این سخن به عنوان قرینه جدید اینجا آورده شد؛ زیرا ابوالقاسم خویی در ذیل عنوان معلی بن محمد اصلاً استناد به وجود این راوی در دو کتاب مذکور نمی‌کند (معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۲۷۹-۲۸۱).

۳۴. درس خارج فقه (میرزا جواد تبریزی)، خارج فقه طهارت، ادامه فصل فی الماء الراكد: (<http://fa.tabrizi.org/1391/2/20/taharat-2/>)

۳۵. معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۵۸؛ درس خارج فقه (میرزا جواد تبریزی)، خارج فقه طهارت، ادامه فصل فی الماء الراكد: (<http://fa.tabrizi.org/1391/2/20/taharat-2/>)

۳۶. کتاب نکاح، ج ۹، ص ۲۹۶۶.

۳۷. رجال النجاشی، ص ۳۹.

و ثقة است.^{۳۸}

۷. قتیبة بن محمد الاعشى، امامی و مورد وثوق است.^{۳۹}

۸. عبدالله ابن ابي يعفور كوفي، امامی و ثقة است.^{۴۰}

۹. مراد از مولی لبني شيبان (آزاده شده بنی شيبان)، زارة بن اعين شيبانی بوده^{۴۱} که ایشان امامی، ثقة، بلکه از اصحاب اجماع است.^{۴۲}

در نتیجه، سند حدیث، متصل به معصوم و رجالیان، تمامی روات سلسله سند را امامی و ثقة می دانند. بنابراین این دو سند، صحیح ارزیابی می شود.

زنجیره روات در سند حدیث سوم

۱. سعد بن عبدالله اشعری قمی (م ۳۰۱ ق) ملقب به «شیخ هذه الطائفة و فقیهها و وجیهها»^{۴۳} که در روزگار پیش از کلینی زیسته، و در زمره بزرگان شیعه، امامی و ثقة است.^{۴۴}

۲. محمد بن عیسی که به اعتبار «مروی عنه» اش (سعد بن عبدالله قمی)، محمد بن عیسی بن عبید یقطینی است که امامی و مورد وثوق است.^{۴۵}

۳. صفوان که بنا بر «مروی عنه» اش (محمد بن عیسی بن عبید)، صفوان بن یحیی بجلی (م ۲۱۰ ق) وکیل امام رضا علیه السلام و از اصحاب اجماع و جزء ثقات به شمار می رود^{۴۶} که در موردشان گفته شده است: «لا یروون ولا یرسلون إلا عن یوثق به».^{۴۷}

۴. مُثنیٰ بن ولید حنّاط (گندم فروش)، امامی و ثقة است.^{۴۸}

۵. ابی خالد کابلی که نامش «وردان» و اسمش «کنگر» بوده؛^{۴۹} در روایات از حواریون و یاران

۳۸. رجال الکشی، ص ۳۳۸.

۳۹. رجال النجاشی، ص ۳۱۷؛ رجال العلامة الحلی، ص ۱۳۵.

۴۰. رجال النجاشی، ص ۲۱۳؛ رجال الکشی، ص ۱۰ و ۲۴۶.

۴۱. رجال الکشی (مع تعلیقات میرداماد)، النص، ص ۵۰.

۴۲. رجال الطوسی، ص ۳۳۷؛ رجال الکشی، ص ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۳۸، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۴، ۱۴۶.

۴۳. رجال النجاشی، ص ۱۷۷.

۴۴. همان، ص ۱۷۸؛ رجال الطوسی، ص ۴۲۷.

۴۵. رجال الکشی، ص ۵۳۸.

۴۶. رجال الکشی، ص ۵۰۸، رجال النجاشی، ص ۱۲۰.

۴۷. العدة فی أصول الفقه، ج ۱، ص ۱۵۴.

۴۸. رجال الکشی، ص ۳۳۸.

۴۹. رجال الکشی (مع تعلیقات میرداماد)، ج ۱، ص ۲۵.

برگزیده و خاص امام سجاد علیه السلام برشمرده شده،^{۵۰} امامی مذهب و مورد وثوق است.^{۵۱} در نتیجه سند حدیث متصل به معصوم و صحیح ارزیابی می شود.

بررسی دلالتی

زمانی که اتصال یک روایت به امام معصوم به طرق معروف و معقول اثبات می گردد، در حوزه عمل، حجیت آن بین فقها تردیدی وجود ندارد؛ اما در حوزه باور و اخبار هر چند مجمع علیه نیست، ولی حدیثی معتبر است و نمی توان آن را نادیده گرفت. لذا صحت محتوای آن با معیارهای مقبول، ما را به باور آن متقاعد می کند. حدیث پیش گفته که در یکی از بزرگ ترین حوزه های اعتقادی مسلمانان و به خصوص شیعه، یعنی مهدویت است، صحت سندی آن، ما را بر آن داشت تا ضمن بررسی مفهوم لغوی برخی واژه های آن، به بررسی محتوایی و دلالتی آن نیز پردازیم. روشن شدن محتوا و دلالت این حدیث، نیازمند اولاً شناخت مفهوم «وضع ید» و مرجع ضمیر در «یده» و ثانیاً مفهوم «جمع عقول» و ثالثاً دایره «العباد» و بررسی اقوال و آرای حدیث پژوهان در این خصوص است تا بتوان با نگاهی روشن، درستی این خبر را با سنت های ثابت قرآنی سنجش نمود:

مفهوم شناسی وضع ید

وضع ضد رفع^{۵۲} در لغت به مفهوم فروهستن، نهادن و قرار دادن است.^{۵۳} بند اول روایت این است که امام باقر علیه السلام فرمودند:

زمانی که قائم ما (حضرت بقیة الله الاعظم) قیام کند دستش را بر سر بندگان می نهد.

با وجود آن که در روایت کلینی لفظ «الله» به صراحت پس از فعل وَضَعَ بدین گونه آمده است:

وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ.

اما به دلیل نبود لفظ الله در روایت دیگر، در مرجع ضمیر «یده» بین شارحان و

۵۰. الاختصاص، ص ۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۳۴۲.

۵۱. رجال الکشی، ص ۱۱۵، ۱۰، ۱۲۲، ۱۲۳.

۵۲. لسان العرب، ج ۸، ۳۹۶.

۵۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۱۷.

حدیث پڑوهان نظر واحدی وجود ندارد. با صرف نظر از نتیجه این وضع، در این که آیا خداوند دستش را بر سر عباد قرار می دهد و یا ولی خدا، چون اختلاف مرجع ضمیر، در مفهوم روایت و چگونگی وضع، تأثیرگذار است، نیازمند بررسی است.

مفهوم «وضع ید» با برگشت ضمیر به لفظ «الله»

با وجود آن که عالمان و فِرَق مختلف، مرجع چنین ضمیری را خداوند می دانند؛ ولی چون مبانی و اصول متفاوتی دارند، گوناگونی در مفهوم و دلالت این بند از روایت بدیهی به نظر می رسد:

۱. نگاه تجسیمی

برخی فرقه ها مانند وهابیت با نگاهی ظاهری، در این گونه احادیث، مرجع حدیث را خداوند دانسته و باورمند به جسمانیت ذات باری تعالی هستند؛ به عنوان مثال هنگامی که روایت ذیل از عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، مفتی عربستان و از جمله هواداران اصلی اندیشه سلفی گری پرسیده شد، به این مضمون که شبی خداوند در بهترین شکل به سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد. سپس به ایشان فرمود: «یا محمد، آیا می دانی در ملا اعلی دربار چه با هم بحث می کنند؟ [پیامبر فرمود:] گفتم: نه [نمی دانم سپس دیدم که پروردگارا] «... فَوَضَعَ يَدَهُ بَيْنَ كَتِفَيَّْ، حَتَّى وَجَدْتُ بَرْدَهَا بَيْنَ ثَدْيَيَّْ»^{۵۴}... خداوند دستش را بر پشت من گذارد تا جایی که سردی دستش را بین سینه هایم یافتم و سپس آنچه در آسمان ها و زمین بود را دانستم...»^{۵۵}

بن باز برگشت ضمیر را به خداوند به شکل ظاهری و تجسیمی می پذیرد، لکن برای فرار از معذورات معنای مذکور گفته است چنین اتفاقی در خواب بوده است:

فإن هذا الإتيان كان في المنام كما رجحه ابن كثير وتابعه المباركفوري في شرح الترمذی، و يدل ما في إحدى الروايات من التصريح بما يفيد ذلك.^{۵۶}

این معنای وضع ید و توجیه نزد نگارنده در بردارنده مشکلات و معذوراتی است: اولاً در بسیاری از منابع اولیه و معتبر اهل سنت قید «فی المنام» نیامده است.^{۵۷} ثانیاً خود بن باز به

۵۴. در نقل های دیگر آمده (وَضَعَ كَفَّهُ بَيْنَ كَتِفَيَّْ حَتَّى وَجَدْتُ بَرْدَ أَنَامِلِهِ بَيْنَ صَدْرِي...) (مسند احمد بن حنبل، ج ۳۶، ص ۴۲۳).

۵۵. همان، ج ۲۷، ص ۱۷۱؛ ج ۳۶، ص ۴۲۳؛ ج ۳۸، ص ۲۵۶؛ مسند الدارمی، ج ۲، ص ۱۳۶۶؛ الجامع الصحیح (سنن الترمذی)، ج ۵، ص ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹.

۵۶. فتاوی الشبکه الإسلامية، رقم فتوی ۵۲۰۳۱.

۵۷. مسند احمد بن حنبل، ج ۲۷، ص ۱۷۱؛ ج ۳۶، ص ۴۲۳؛ ج ۳۸، ص ۲۵۶؛ الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۲۰۷، ۲۰۸.



نقل احمد بن حنبل آورده است که پیامبر فرموده: «وضع يد خداوند بر پشتم بعد از بیدار شدن (نه در خواب)، بوده است» و سپس گفته است:

أخرجها الترمذی وقال: هذا حديث حسن صحيح سألت محمد بن إسماعيل يعني:
البخاری عن هذا الحديث فقال: هذا صحيح.^{۵۸}

ثالثاً حدیث شناس متعصب سنی تصریح کرده که قید «فی المنام» جزء آن شدوذاتی است که برای حدیث افزون گشته، که در این صورت راه مفری برای بن باز باقی نمی ماند.^{۵۹} رابعاً از نگاه شیعه ظاهر روایت در برابر براهین فراجسم بودن خداوند نمی تواند مقاومت کند؛ همان گونه که گفته اند: «الظواهر لاتصادم البرهان»؛^{۶۰} زیرا موجود نامحدود، تحت احاطه شهودی موجود محدود (چه در خواب و چه در بیداری) قرار نمی گیرد.^{۶۱} از سویی نگاه تجسیمی، با آیات محکم الهی نیز ناسازگار است.^{۶۲}

۲. نگاه تأویلی

نگاه ادبی به روایت مذکور به استناد قاعده مشهور «الاقرب یمنع الابدع»^{۶۳} مانع از برگشت ضمیر به «قائمنا» است. علاوه بر آن، محذورات نگاه تجسیمی باعث شده که طرفداران برگشت ضمیر به «الله»، نگاه تأویلی به حدیث مذکور داشته باشند. فیض کاشانی مراد از «یده» را «یدالله» دانسته و فرموده است:

عَبَّرَ بِالْيَدِ عَنِ وَاسِطَةِ جُودِهِ وَفِيضِهِ وَالْمَرَادُ بِهَا إِمَّا الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوِ الْعَقْلُ الَّذِي هُوَ أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَنِ يَمِينِ عَرْشِهِ أَوْ مَلَكٌ مِنْ مَلَائِكَةِ قُدْسِهِ وَنُورٌ مِنْ أَنْوَارِ عَظَمَتِهِ.^{۶۴}

وی باورمند است که مراد از «یدالله»، «واسطه جود و فیض الهی» است و سپس بدون اشاره

۲۰۹؛ مسند الدارمی، ج ۲، ص ۱۳۶۶؛ مسند عبد بن حمید، جزء اول، ص ۳۲۶ و ۳۴۲؛ الدعاء للطبرانی، ج ۱، ص ۴۱۸؛ تاریخ الطبری، ج ۱۱، ص ۵۸۴؛ جامع البیان، ج ۷، ص ۱۶۲؛ ج ۲۷، ص ۲۸؛ مجمع الزوائد، الجزء ۷، ص ۳۶۹؛ شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۲۶؛ تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۴۷؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۳۴، ص ۶۴۶؛ کتاب التوحید واثبات صفات الرب، ج ۱، ص ۳۲۱؛ ارشاد الساری، ج ۷، ص ۳۲۱ و ...
۵۸. فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، رقم فتوی ۱۸۶۱۰.
۵۹. موسوعة العلامة الامام مجد العصر الالبانی، باب حدیث اختصاص الملائكة الأعلى، شماره ۱۱۰۸.
۶۰. کفایة الاصول، ج ۲، ص ۳۹.
۶۱. تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۷۸.
۶۲. رک: سوره شوری، آیه ۱۱؛ سوره انعام، آیه ۱۰۳؛ سوره نساء، آیه ۱۲۶؛ سوره بقره، آیه ۵۵؛ سوره نساء، آیه ۱۵۳؛ سوره اعراف، آیه ۱۴۳ و ...
۶۳. مشرق الشمسین، ص ۳۲۷.
۶۴. الوافی، ج ۱، ص ۱۱۴.

به مصداق خاص، به چهار مورد مانند حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام، عقل، ملکی از ملائکه خداوند و یا نوری از انوار عظمت الهی اشاره کرده است. علامه مجلسی نیز در توضیح «وضع الله یده» برگشت ضمیر «یده» یا «الله» است و یا به «حضرت قائم علیه السلام؛ ولی در هر صورت، کنایه از رحمت، شفقت، قدرت و استیلاى خداوند بر بندگان دانسته است.^{۶۵} آقای نجفی وضع ید الهی مذکور را از جمله خرق عادات فراوانی می داند که امام زمان علیه السلام را در فتح گیتی تأیید و تقویت می کند و این سخن را به بسیاری از عالمان و محققان نسبت داده است.^{۶۶}

از معاصران «وضع ید الله» را همان مرور زمان و تجارب تلخ و شیرینی می دانند که بشریت در طول زمان های متفاوت آن را چشیده و این تجارب، باعث تطور، تکامل و افزون شدن عقل بشری شده و منجر به رشد و نمو استعداد های انسانی می شود. از آن رو که همه نظریات و ایدئولوژی های گیتی در تغییر وضعیت موجود و حل مشکلات جهان ناکام ماندند، انسان ها به سرعت، بدون هیچ تردیدی و با اشتیاق به ندای منجی عالم بشریت لبیک می گویند.^{۶۷} از دید نگارنده هم به دلیل ادبی و هم قدمت روایت کلینی، مرجع ضمیر، «الله» است و وضع ید مذکور، رحمت و امداد الهی است که در قالب های گوناگون نمودار می شود، ولی قبل از آن، ابتدا بشر در سایه تکامل علم و عقل و کسب تجارب گوناگون تا عصر ظهور، استحقاق ظهور واسطه الهی را فراهم می کند. به عبارتی، فراهم شدن زمینه بشری مذکور، مقدمه ظهور واسطه فیض (وضع ید) است و شرایط امداد و عنایت مذکور در روایت (وضع ید) را پدید می آورد. لذا گفته کسانی که مفهوم وضع ید را امری خارق العاده دانسته و یا مرور زمان و تجارب تلخ و شیرین می دانند، درست نیست؛ چون از یک سو خرق عادت مذکور با سنت های الهی - که بعداً خواهیم گفت - در تعارض است و از سویی روایت بیان گر عنایت امداد الهی (جمع عقول و کمال احلام) پس از قیام است. گفتار نویسنده (سبحانی) ممکن است تحقق یابد؛ ولی آن اشتیاقات، مفهوم وضع ید نیست، بلکه مقدماتی است که زمینه وضع ید را فراهم خواهد کرد و مواهب پس از قیام - که البته به صورت های گوناگون و دارای مصادیق متعدد است - قبل از ظهور وجود ندارد. سنت های مصرح قرآنی نیز که در ادامه می آید، مؤید دیدگاه ماست.

۶۵. مرآة العقول، ج ۱، ص ۸۰.

۶۶. ولادة الإمام المهدي، الجزء ۱، ص ۴۲.

۶۷. الفكر الخالد فی بیان العقائد، ج ۲، ص ۹۶.

مفهوم «وضع ید» با برگشت ضمیر به «حضرت قائم علیه السلام»

سعد بن عبدالله اشعری - که متوفی ۳۰۱ هجری قمری بوده^{۶۸} - و مقدم بر کلینی است - در روایتی که نقل کرده،^{۶۹} واژه «الله» را نیاورده است؛ با آن که طریق شیخ صدوق بجز در یک نفر عین طریق کلینی است، بدین گونه نقل شده است:

وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ.

ولفظ «الله» نیامده است. از این رو، برخی مرجع ضمیر «یده» را حضرت ولی عصر علیه السلام دانسته اند؛^{۷۰} لیک مراد آنان از وضع ید دست حضرتش، دست عنایت بوده و دست کشیدن ظاهری نیست.^{۷۱} و در سازوکاری فراطبیعی به وقوع می پیوندد؛ همان گونه که در حدیثی که شیخ صدوق در کتاب *اکمال الدین* خودش با سند از امام علی علیه السلام نقل نموده، آمده است که در هنگامه ای که پرچم امام زمان علیه السلام به اهتزاز درمی آید:

... إِذَا هَزَّ رَأْيَتَهُ أَصْنَاءَ هَآ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ؛^{۷۲}

برای پرچم ایشان ما بین مشرق و مغرب روشن می گردد و (سپس ایشان) دست بر سربندگان می گذارد.

علامه مجلسی باورمند است چنانچه مرجع ضمیر ولی الله علیه السلام باشد، احتمال مفهوم حقیقی وضع وجود دارد^{۷۳} که همان نوازش سرهای مردم با دست حضرت بقیة الله الاعظم باشد. نگارنده مسح سرهای بندگان، آن هم در مقیاس عصر قیام را، محال عقلی نمی داند، ولی توجیهی روایی قرآنی هم برای چنین مسحی نمی بیند. از سویی، تحقق معجزه وار آن را با سنت انتخاب سرنوشت به دست انسان در تعارض می بیند.^{۷۴}

دایره عباد در روایت

نکته بعدی در روایت، این است که دست نوازش رحمت الهی - که به تجمیع افکار و

۶۸. رجال النجاشی، ص ۱۷۸.

۶۹. مختصر البصائر، ص ۳۱۹.

۷۰. الحق المبین فی معرفة المعصومین علیهم السلام، بحوث مستفادة من محاضرات المرجع الدینی آية الله الوحید الخراسانی، الجزء ۷۴، ص ۵.

۷۱. همان.

۷۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۳.

۷۳. مرآة العقول، ج ۱، ص ۸۰.

۷۴. سوره انفال، آیه ۴۲.

عقول و عزم راسخ عاقلان و کمال حلم منجر می‌گردد - آیا شامل تمامی مردم عالم می‌گردد یا مراد عباد خاصی است؟ دونگاه در این باره وجود دارد: برخی به این دلیل که اسم جمع محلی به الف و لام، مفید عموم است،^{۷۵} شامل جمیع عباد است و بر این باورند که تمام انسان‌ها در اثر این عنایت خارق العاده عقلشان کامل می‌گردد.^{۷۶} از نگاه نگارنده این امر فی نفسه محال عقلی نیست، ولی قطعاً با سنت‌های قطعی و ثابت خداوند در انتخاب سرنوشت و شرایط امداد سازگاری ندارد.^{۷۷}

برخی نیز ضمن پذیرش جمیع عباد گفته‌اند که آثار وضع ید شامل حال همه نمی‌شود؛ زیرا در برخی از روایات پس از عبارت «وَصَحَّ يَدُهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ» این جمله آمده است:

فَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبُرِ الْحَدِيدِ وَأَعْظَاةُ اللَّهِ تَعَالَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا...^{۷۸}

یعنی بعد از این که حضرت حجت دست بر سر همه بندگان می‌کشد، مؤمنی باقی نمی‌ماند، مگر آن که قلبش چون پاره‌های آهن مستحکم و نیروی چهل مرد به او عطا می‌گردد. بنابراین وضع ید شامل همه بندگان می‌شود، ولی مؤمنان مشمول آثار وضع ید می‌شوند.^{۷۹} عدم شمول آثار بر کفار به عدم قابلیت آنان بر می‌گردد و گرنه در فاعلیت فاعل مشکلی نیست. به عبارت دیگر، مقتضی از طرف خداوند و واسطه فیض او موجود است؛ لیکن مانع از سوی کفار است.^{۸۰} روشن است که منشأ محرومیت برخی موجودات از برخی از خیرات و کمالات به عدم قابلیت آن‌ها بر می‌گردد.^{۸۱} نگارنده نیز باورمند است همان طور که رسول خدا برای هدایت تمام انسان‌هاست،^{۸۲} قیام حضرت حجت نیز جهانی و فراگیر است^{۸۳} و همان طور که عده‌ای به انتخاب شوم خود از هدایت رسول خدا بازماندند و امدادها و دست‌گیری الهی شامل حالشان نشد، بدیهی است در عصر قیام نیز چنین خواهد بود.

۷۵. معالم الدین و ملاذ المجتهدین، ص ۲۷.

۷۶. ولادة الإمام المهدي عليه السلام، الجزء ۱، ص ۴۲.

۷۷. سوره انفال، آیه ۴۲؛ سوره انسان، آیه ۳؛ سوره محمد، آیه ۷.

۷۸. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۳.

۷۹. الحق المبين في معرفة المعصومين عليهم السلام، بحوث مستفادة من محاضرات المرجع الديني آية الله الوحيد الخراساني، الجزء ۷۴، ص ۵.

۸۰. همان، ج ۳، ص ۷۴.

۸۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۱۴۶.

۸۲. سوره سبأ، آیه ۲۸؛ سوره اعراف، آیه ۱۵۸.

۸۳. معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، ج ۱، ص ۴۵۵.

با دیدن خانواده حدیثی که در آن‌ها جمله «اذا قام القائم» آمده، به این نتیجه رسیدیم که تعبیر و وضع ید در طول نهضت حضرت با برنامه‌های گوناگون برای گروه مختلف پدید می‌آید و هر یک از برنامه‌ها و تصمیم‌ها به رشد فکری مردم با لحاظ مراتب و قابلیت و ظرفیت‌ها کمک خواهد کرد و به انتخاب درست و عاقلانه آن‌ها خواهد انجامید. تعالیم قرآنی حضرت،^{۸۴} نزول حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و اقتدای ایشان به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ^{۸۵} و اتمام حجت بر مسیحیان،^{۸۶} قضاوت‌های حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ برای یهودیان بر اساس تورات اصلی و مسیحیان بر اساس انجیل و اهل زبور به زبورشان،^{۸۷} روشن کردن نشانه‌هایی در کتب آسمانی مانند تورات بر آمدن نام پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه دوازده‌گانه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در کتب آسمانی،^{۸۸} عرضه حقیقت بر ناصبان،^{۸۹} ظهور نعمت‌های دنیوی^{۹۰} و... نمونه‌ای از این مستندات است.

در جمع‌بندی این قسمت باید گفت که اگر مراد از «اذا قام قائمنا» پایان دولت باطل و آغاز استیلائی دولت حق باشد. در این هنگامه، عقل مردم به ادله مانند تجربه‌های که در طول تاریخ داشتند، مخصوصاً در مدتی که از آغاز قیام تا استیلائی انقلاب پیدا کرده‌اند، افزایش می‌یابد. در این جاست که همه مردم از این افزایش عقول بهره‌مند می‌شوند و مانند اهل ذمه و کسانی که هنوز وارد اسلام نشده‌اند، در این هنگامه با اختیار ایمان آورده و وارد مذهب اسلام می‌شوند؛^{۹۱} زیرا از نتایج افزایش عقول، خداشناسی و دین‌شناسی است.^{۹۲}

ولی اگر مراد از جمله «اذا قام قائمنا» آغاز انقلاب مهدوی بدانیم، در این صورت بر اساس آیات و روایات، انسان‌هایی که تحت غوایت ابلیس درآمده‌اند، به گونه‌ای که در مقام عمل، مرید شیطان شده و پشت سر او حرکت می‌کنند^{۹۳} و این گمراهی عقیدتی و تبعیت دائمی از

۸۴. کفایة المهتدی فی معرفة المهتدی عَلَيْهِ السَّلَامُ، ص ۶۸۰. ناگفته نماند که این روایت به شکل مرسل از شیخ مفید نیز نقل شده است (الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۶).

۸۵. کفایة المهتدی فی معرفة المهتدی عَلَيْهِ السَّلَامُ، ص ۶۷۱.

۸۶. المعجم الاحادیث المهتدی عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۲، ص ۴۵۷.

۸۷. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ج ۳، ص ۳۹۷.

۸۸. «دوازده امام در تورات؛ نگاهی نوبه بشارت ابراهیم در سفر پیدایش»، ص ۱۷.

۸۹. الکافی، ج ۸، ص ۲۲۷.

۹۰. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ج ۱، ص ۱۸۸.

۹۱. ... لَا يَبْقَى يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ وَلَا صَاحِبٌ مِلَّةٍ إِلَّا دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ ... (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۱).

۹۲. «گونه‌شناسی آثار عقلانی عصر ظهور»، ص ۲۷.

۹۳. همه لغویان در واژه «تبعیت» به گونه‌ای این معنا را لحاظ کرده‌اند (العین، ج ۲، ص ۷۸؛ جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۲۵۴؛

تهذیب اللغة، ج ۲، ص ۱۶۷؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۳۶۲؛ اساس البلاغة، ص ۵۹؛ المصباح المنیر، ج ۱،



گناه، باعث ایجاد ملکه و شاکله‌ای شود که نسبت به عمل مانند روح جاری در بدن، عمل می‌کند،^{۹۴} پیروی آن‌ها از فطرت (به خاطر اعمالشان) بسیار سخت و به طور طبیعی در برابر دعوت امام زمان علیه السلام لیبیک نمی‌گویند و به سرنوشت ابلیس دچار می‌شوند و وعده الهی ﴿وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ﴾^{۹۵} در موردشان محقق می‌شود.

اما کسانی که امکان اثره نور عقل در آنان وجود دارد، توسط حضرت حجت بر خردهاشان افزون می‌گردد^{۹۶} و به راه راست برمی‌گردند؛ بعد از آن‌که شیطان آنان را از آن راه راست منحرف کرده بود.^{۹۷}

جمع عقول و کمال احلام

عقول در نگاه شارحان به معنای افزون شدن و تقویت خرده‌های آنان^{۹۸} و یا اتفاق آن‌ها بر محور حق است^{۹۹} که در اثر آن اختلافات^{۱۰۰} و بساط تمام مذاهب جزدین حق برچیده می‌شود.^{۱۰۱} هیچ یک از شارحان توضیح ندادند که این تقویت و برچیده شدن مذاهب تحت چه فرایندی صورت می‌گیرد؛ هر چند بتوان گفت دیدگاه‌شان تابع نوع تشریح وضع ید است که به برخی از آنان مثل علامه مجلسی اشاره شد. درباره کامل شدن احلام بندگان نیز متفاوت گفته‌اند. بنا بر نظر ابن فارس در لغت «حلم» باید این طور گفت که در اثر جمع شدن عقولشان در ریختن تئوری‌های نیک و انجام کارهای پسندیده بدون هیچ شتابزدگی با ثابت قدمی و بردباری اقدام می‌کنند.^{۱۰۲} افکار راسخ و پایداری در کارهای نیک، معلول جمع شدن عقل‌های آنان است. منابع کهن لغوی و غریب الحدیث نشان می‌دهد که جمع در لغت به معنای پیوند یک چیز به چیز دیگر و گرد آمدن امری پراکنده است.^{۱۰۳} واژه پژوهان مفهوم

ص ۷۲.

۹۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۸۹.

۹۵. سوره حجر، آیه ۴۳.

۹۶. ر.ک: «گونه‌شناسی آثار عقلانی عصر ظهور».

۹۷. سوره اعراف، آیه ۱۶.

۹۸. الشافی فی شرح الکافی، ج ۱، ص ۲۶۶.

۹۹. الکشف الوافی فی شرح أصول الکافی، ص ۹۵.

۱۰۰. مرآة العقول، ج ۱، ص ۸۰.

۱۰۱. شرح الکافی - الأصول والروضه، ج ۱، ص ۳۹۹.

۱۰۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۹۳.

۱۰۳. همان، ج ۱، ص ۴۷۹؛ الجمهرة، ج ۱، ص ۴۸۳؛ الصحاح، ج ۳، ص ۱۱۹۸؛ الفروق فی اللغة، ص ۱۳۴.

متعدی این ماده را به معنای عزم و جمع [بندی] آرا و افکار دانسته‌اند.^{۱۰۴} عقل نیز در نگاه جامع راغب - که بر پایه استنادات قرآنی و روایی تعریف کرده - هم به مفهوم قوه مدرکه و نیرویی است که آمادگی پذیرش دانش و فهم را داراست و هم به مفهوم دانشی است که به وسیله آن نیرو به دست می‌آید.^{۱۰۵} هر چند برخی از عالمان اهل لغت، عقل و حلم را مترادف دانسته‌اند^{۱۰۶} که ظاهراً این در صورتی است که ما سفاهت را نقیض حلم بدانیم؛^{۱۰۷} ولی غالباً باورمندند از نتایج و آثار عقل، رسیدن به یکی از صفات پسندیده بشری به نام حلم است که به معنای آرامش، آسودگی و مقاومت بر مسیری عقلانی در برابر ناملازمات به دور از هیجانات و احساسات است.^{۱۰۸}

بنابراین در مفهوم متعدی به کار رفته، چه فاعل فعل وَضَعَ و جَمَعَ خداوند باشد و چه قائم آل محمد ﷺ، واسطه فیض و مجری و مدیر الهی عرصه پس از قیام از روایت و شرح شارحان پیدا است که حضرت بقیة الله است. و به واسطه و وسیله اوست که عقل‌ها جمع‌آوری می‌شود و در سایه این جمع است که حلم، به معنای گفته شده، به درجه کمال خود می‌رسد و آثار و نتایج ارزنده تعقل به بار می‌نشیند. جمع عقول، نه چونان که برخی شارحان به شکل فراطبیعی و معجزه‌وار گفته‌اند، بلکه به استناد سنت‌های الهی، در مسیری طبیعی و با مدیریتی الهی در سایه رشد و انتخاب آگاهانه و عالمانه اکثریت مردم - که زمینه‌ساز امدادهای ویژه و مقید الهی است - شکل خواهد گرفت. ویژگی‌های زیادی همچون رشد علمی و آگاهی مردم دنیا در اثر تجارب گوناگون گذشته، ویژگی شخصیتی و مدیریتی امام عصر - که زمینه‌ساز بسیاری از امدادهای مقید الهی است - و مأموریت خاص حضرت، سه ضلع اتفاقات بعضاً منحصر به فردی است که در عصر قیام رخ خواهد داد؛ در عین حال که از سنت‌های ثابت الهی در دنیا نیز بیرون نخواهد بود. آموزش خاص پس از قیام، مانند روایت صحیح «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ﷺ ضَرَبَ فِئَاطِيطَ لِمَنْ يَعْلَمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَيَّ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ...»^{۱۰۹} نمونه‌ای از آن‌هاست.

۱۰۴. تاج العروس، ج ۱۱ ص ۷۲؛ التحقيق في كلمات القرآن، ج ۲، ص ۱۰۸.

۱۰۵. مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۵۷.

۱۰۶. المحکم والمحیط الأعظم، ج ۳، ص ۳۶۴.

۱۰۷. العين، ج ۴، ص ۹.

۱۰۸. مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۵۴-۲۵۳؛ النهايه، ج ۱، ص ۴۳۳-۴۳۴؛ التحقيق في كلمات القرآن، ج ۲، ص ۲۷۵-۲۷۲.

۱۰۹. كفاية المهتدي في معرفة المهدي ﷺ، ص ۶۸۰. این روایت به شکل مرسل از شیخ مفید نیز نقل شده است

بررسی دلالت آیه در پرتو سنت‌های ثابت قرآن

بعد از بیان آرای گوناگون مفهوم روایت در سایه نگاه شارحان و واژه پژوهان و نقد نگاه‌های نادرست، موضوع و مسأله مقاله، نیازمند بررسی دیدگاه‌ها و انتخاب نظر مختار در پرتو سنت‌های لایتغیر الهی در قرآن است.

عدم اختلاف و تناقض در قرآن نص صریح قرآن از باورهای مسلم مسلمانان است.^{۱۱۰} سنت‌های الهی به عنوان قواعد و ضوابط تدبیر عالم و آدم در دنیا از سوی خداوند، موضوعی است که خداوند بر تحویل و تبدیل ناپذیری آنان در قرآن به صراحت یاد نموده است.^{۱۱۱} و تجربه مکرر آن‌ها در تاریخ بشر به امری مجرب تبدیل شده است. تحولات یاد شده در روایت، زمانی می‌تواند مورد تأیید و باور قرار گیرد که با سنت‌های یاد شده سازگار باشد.

سؤال این است که آیا دست‌یابی به رحمت الهی در روزگاری قیام قائم علیه السلام، با سنت مشروط خدا در آیه ﴿...إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾؛ «اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را محکم و استوار می‌سازد»^{۱۱۲} در تعارض نیست؟ آیا با اصل انتخاب سرنوشت در سایه انتخاب آزاد و اراده انسان‌ها همچون آیه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾^{۱۱۳} یا آیه ﴿وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ وَ يُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَن بَيِّنَةٍ﴾^{۱۱۴} هم سواست؟ سنتی که بارها توسط امام علی علیه السلام در علت به کار بستن قدرت ویژه در نابودی معاویه،^{۱۱۵} و امام حسین علیه السلام در پاسخ آنان که خواستند به او یاری رسانند^{۱۱۶} و نیز توقیعات خود حجت حق صلی الله علیه و آله در علت تسلط [ظاهری] یزید بر امام حسین علیه السلام مورد استناد قرار گرفته است.^{۱۱۷} نویسنده از سنت‌های امداد و ویژه الهی همچون جنود نامرئی حق^{۱۱۸} که مکرر در تجربه زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر انبیا^{۱۱۹} یاد شده،

(الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶).

۱۱۰. سوره نساء، آیه ۸۲.

۱۱۱. سوره اسراء، آیه ۷۷؛ سوره احزاب، آیه ۶۲؛ سوره فاطر، آیه ۴۳؛ سوره فتح، آیه ۲۳.

۱۱۲. سوره محمد، آیه ۷.

۱۱۳. سوره انسان، آیه ۳.

۱۱۴. سوره انفال، آیه ۴۲.

۱۱۵. بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۲۸۰-۲۸۱.

۱۱۶. همان، ج ۴۴، ص ۳۳۱.

۱۱۷. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۲۷۸.

۱۱۸. سوره فتح، آیه ۴ و ۷؛ سوره مدثر، آیه ۳۱.

۱۱۹. سوره توبه، آیه ۲۶ و ۴۰؛ سوره احزاب، آیه ۹.

غافل نیست؛ ولی کیست که نداند که تحقق سنت‌های مذکور هر یک تحت شرایط و ضوابطی است و بدون آن‌ها امکان تحقق ندارد. بدیهی‌ترین آیه قرآن در نگاه نگارنده آیه ۲۱۴ سوره بقره است:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ...﴾

آیا پنداشته‌اید در حالی که هنوز حادثه‌هایی مانند حوادث گذشتگان شما را نیامده، وارد بهشت می‌شوید؟! به آنان سختی‌ها و آسیب‌هایی رسید و چنان متزلزل و مضطرب شدند تا جایی که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند می‌گفتند: یاری خدا چه زمانی است؟ ...

پس اتفاقات یاد شده تحت چه شرایطی به وجود می‌آید؟ عصر قیام چه ویژگی‌های متفاوتی با دیگر زمان‌ها دارد که رحمت الهی آن چنان ریزان می‌شود که یکی از آن‌ها تجمیع عقول و تبدیل به عزم واحد می‌گردد و حلم به عنوان دستاوردهای اندیشه عقلانی، ثمراتش به بار می‌نشیند و وقار و آرامش و مقاومت در برابر ناملازمات جانشین بدی‌ها و هیجانان تند و یا احساسات غیر منطقی می‌گردد؟

واسطه‌های فیض الهی بسیار بوده و هم اکنون هم در عالم هست؛ مانند عقل،^{۱۲۱} حقیقت انسان کامل^{۱۲۲} حضرت محمد ﷺ و اوصیای او از امام علی عليه السلام تا حضرت حجت،^{۱۲۳} فرشتگان^{۱۲۴} و حتی عده‌ای از عالمان در دوره غیبت،^{۱۲۵} بوده و هستند. پس سرچنان رخدادهای بعضاً کم‌نظیر در چیست؟ آیا زمان قیام موضوعیت دارد یا مکان آن و یا مکین آن که مردم و وجود مقدس خاتم‌الوصیاء باشد؟ مگر مردم آن چه خصوصیتی دارند که چنان عنایات متمایزی شامل حالشان می‌شود؟ از روایات و آیات قرآن پیداست که نه زمان خصوصیت دارد و نه مکان. وجود نازنین حضرتش که همچون خورشید پس ابر و واسطه فیض بوده^{۱۲۶} و قبل از غیبت نیز وجود داشته است. پس تفاوت در چیست؟ این جاست که

۱۲۰. سوره نمل، آیه ۱۷.

۱۲۱. أسرار الحكم، ج ۱، ص ۲۳۷.

۱۲۲. أصول المعارف، مقدمه، ص ۴۴.

۱۲۳. امام‌شناسی، ج ۱، ص ۱.

۱۲۴. ترجمه شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۷۵۴.

۱۲۵. الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۸.

۱۲۶. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

دگرگونی مردم و افکار عمومی و اراده‌های توده مردم به عنوان عامل مهم در زمینه‌سازی روزگار قیام به عنوان تمایز میان آن روز و روزگاران دیگر از جمله عصر حضور و غیبت صغری و کبری توجه کرد. حلقه مفقوده در طول زمان‌ها خود مردم هستند؛^{۱۲۷} آن‌هم مردمی که باید در مقیاس و طراز قیام حجة الحسن علیه السلام استعداد و آمادگی پیدا کنند؛ چنان‌که اگر این زمینه وجود داشت، نیاز به غیبت امام نبود و عالم مسیر درست خودش را طی می‌کرد. طبیعی است که این دگرگونی یک باره به وجود نمی‌آید، بلکه محصول قرن‌ها تجربه‌های گوناگون شیرین و تلخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بشر و رشد علمی در عرصه‌های مختلف و ابزارهای متفاوت و آگاهی نوع انسان‌ها از چهارسوی دنیاست که در کلام برخی بزرگان از آن یاد شد.^{۱۲۸} لذا این دگرگونی، ولو ظلم فراگیر هم باشد، نوعی آمادگی و تقاضای عطش‌گونه‌ای است که زمینه و اقتضای ظهور حضرت را فراهم می‌آورد. به نظر می‌رسد نوع استقبال ویژه‌ای که امام صادق علیه السلام فرمود: «إذا قام استقبال من جهل الناس أشد مما استقباله رسول الله صلى الله عليه وآله من جهال الجاهلية»، بیان‌گر همین دیدگاه است؛ حتی در چرایی چنین استقبالی حضرت فرمود:

پیامبر هنگامی مبعوث شد که مردم سنگ‌ها و صخره و چوب‌هایی دست‌ساخته خود را می‌پرستیدند، ولی مردم در عصر ظهور قائم ما به قرآن احتجاج کرده و تأویل قرآن می‌دانند.^{۱۲۹}

حال اگر در میان تشنگان تجربه دیده‌ای که واله قیام حضرت‌اند، معلمی در مقیاس قائم آل محمد علیهم السلام قیام نماید، بدون آن‌که به معجزه‌ای متوسل شود، معجزه جمع عقول و عاقلان و یکسوشدن آرا و افکار در بستر طبیعی خود رخ خواهد داد و حلم به عنوان آثار گرانشنگ چنان همگرایی، به نقطه کمال خود خواهد رسید. مجموعه برنامه‌های حضرت در شکوفا ساختن انسان‌های مشتاق و آگاه آن روز، که برآمده از تعالیم ناب توحیدی مانند روایت فسطاط^{۱۳۰} و مانند آن است می‌تواند وضع‌یدی باشد که خداوند به واسطه حضرت بر بندگان ارزانی می‌دارد و آگاهی و علم را تا حدی فراز کند که مصداق عینی آن روایت باشد که مجموع علوم بشری دو حرف و بیست و پنج حرف دیگر در آن روزگار مردم بدان آگاه گردند،^{۱۳۱}

۱۲۷. معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۳، ص ۴۷۴.

۱۲۸. الفكر الخالد فی بیان العقائد، ج ۲، ص ۹۶.

۱۲۹. معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۳، ص ۱۵۰.

۱۳۰. کفایة المهتدی فی معرفة المهدي علیه السلام، ص ۶۸۰.

۱۳۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

امدادهای خاص و مقید الهی مثل جنود الهی که قبلاً یاد کردیم، در دنیا که ویژه مؤمنان است، بر کیفیت و کمیت این تعالیم خواهد افزود؛ چنان که خداوند در آیات قرآن به برخی امدادهای دیگر نیز اشاره کرده که:

﴿إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا﴾. ۱۳۲

یا در سوره بقره در بحث انفاق فرمود:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ﴾. ۱۳۳

و در روایات نیز آمده است که قلب مؤمنان همچون آهن قوی و نیروشان چهل برابر می شود. ۱۳۴ تردیدی نیست که جامعه‌ای با شاخصه فوق مصداق کامل جامعه ایمانی و باتقوا باشد که خود بر اساس وعده حتمی الهی، جلب کننده و بازکننده درهای آسمان و زمین به روی انسان هاست:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾. ۱۳۵

چه آن که روایات این عرصه صحت ادعای ما را تأیید می کند.

نتیجه‌گیری

روایت «وضع الله يده على رؤس العباد» به لحاظ سندی صحیح است. وضع ید در روایت، کنایه از عنایت و رحمت الهی است که در روزگار پس از قیام، در اثر استعداد و آمادگی علمی و روحی مردم به واسطه حضرت حجت در قالب‌های گوناگون و با ابزار آن زمان نصیب مردم می شود. مقصود از عباد اگرچه همه مردم است ولی مراد جدی، کسانی هستند که به حسب مراتب قابلیت حرکت در سایه امامت را داشته باشند. مراد از گرد آوردن عقل‌ها، تجمیع افکار و عزم راسخ واحدی است که تحت رهبری امام مدیریت می شود و دستاورد این حرکت واحد جمعی به نقطه کمال می رسد. این روایت با مفهوم فوق، همسوبا سنت‌های ثابت قرآنی در دنیا است.

۱۳۲. سوره انفال، آیه ۶۵.

۱۳۳. سوره بقره، آیه ۲۶۱.

۱۳۴. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۳.

۱۳۵. سوره اعراف، آیه ۹۶.

کتابنامه

- إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، محمد بن حسن حر عاملي، بيروت: اعلمی، اول، ۱۴۲۵ق.
- الاجتهاد والتقليد، رضا صدر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، دوم، ۱۴۲۰ق.
- الإحتجاج على أهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی، تحقیق محمد باقر خراسان، مشهد: مرتضی، اول، ۱۴۰۳ق.
- الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمي لالفیة الشيخ المفید، اول، ۱۴۱۳ق.
- ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری، احمد قسطلانی، مصر: المطبعة الكبرى الاميرية، هفتم، ۱۳۲۳ق.
- الإرشاد، مفید، تحقیق مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم: دارالمفید، اول، ۱۳۷۲ش.
- أساس البلاغة، محمود بن عمر زمخشری، بيروت: دارصادر، اول، ۱۹۷۹م.
- أسرار الحكم، هادی سبزواری، قم: مطبوعات دینی، اول، ۱۳۸۳ش.
- أصول المعارف، فیض کاشانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، سوم، ۱۳۷۵ش.
- امام شناسی، محمد حسین حسینی تهرانی، مشهد: علامه طباطبائی، سوم، ۱۴۲۶ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، تحقیق جمعی از محققان، بيروت: دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عليه السلام، محمد بن حسن صفار، تحقیق محسن بن عباس علی کوچه باغی، قم: مكتبة آية الله المرعشي، دوم، ۱۴۰۴ق.
- تاج العروس، محمد مرتضی زبیدی، تحقیق علی هلالی و علی سیری، بيروت: دارالفکر، اول، ۱۴۱۴ق.
- تاریخ الطبری، محمد بن جریر طبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بيروت: دارالتراث، دوم، ۱۳۸۷ق.
- تاریخ بغداد، احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، لبنان- بيروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، اول، ۱۴۱۷ق.
- تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، تحقیق علی شیری، بيروت: دارالفکر، اول، ۱۴۱۵ق.
- التحقیق فی کلمات القرآن، حسن مصطفوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۸ش.

- ترجمه شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، ترجمه محمدی مقدم و نوایی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، اول، ۱۴۱۷ق.
- تسنیم، عبدالله جوادی آملی، قم: مرکز نشر اسراء، اول، ۱۳۹۰ش.
- تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، اول، ۱۳۸۰ق.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الإسلامية، دهم، ۱۳۷۱ش.
- تهذیب اللغة، محمد ازهری، بیروت: داراحیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۱ق.
- جامع البیان، محمد بن جریر طبری، بیروت: دارالمعرفة، اول، ۱۴۱۲ق.
- الجامع الصحیح (سنن الترمذی)، محمد بن عیسی ترمذی، تحقیق احمد محمد شاکر، مصر- قاهره: دارالحديث، اول، ۱۴۱۹ق.
- الجدول، محمود صافی، دمشق: دارالرشید، چهارم، ۱۴۱۸ق.
- جمهرة اللغة، ابن درید، بیروت: دارالعلم للملایین، اول، ۱۹۸۸ م.
- الخرائج والجرائح، قطب الدین راوندی، تصحیح مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسه امام مهدي عليه السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
- الدعاء للطبرانی، سلیمان طبرانی، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمية، الأولى، ۱۴۱۳ق.
- رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين، سوم، ۱۳۷۳ش.
- رجال العلامة الحلی، حسن بن یوسف بن مطهر حلی، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف: دارالذخائر، دوم، ۱۴۱۱ق.
- رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال (مع تعليقات میرداماد الأستراآبادی)، محمد بن عمر کشی، تحقیق مهدي رجایی، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، اول، ۱۳۶۳ش.
- رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال، محمد بن عمر کشی، تحقیق محمد بن الحسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، اول، ۱۴۰۹ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين، ششم، ۱۳۶۵ش.
- الرجال (لابن الغضائری)، ابن غضائری، تحقیق محمد رضا حسینی، قم: دارالحديث، اول، ۱۳۶۴ش.

- الرجال (لابن داود)، حسن بن علی بن داود حلّی، تهران: دانشگاه تهران، اول، ۱۳۴۲ ش.
- رسالة أبي غالب الزراري، احمد بن محمد زراري، تحقيق محمدرضا حسين جلالی، قم: مركز البحوث والتحقيقات الإسلامية، اول، ۱۴۱۱ ق.
- سایت ویکی شیعه
- الشافی فی شرح الکافی، ملاخلیل بن غازی قزوین، تصحیح محمد حسین درایتی، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۲۹ ق.
- شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، ابن حیون، تحقیق و تصحیح محمد حسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین، اول، ۱۴۰۹ ق.
- شرح الکافی - الأصول والروضة، محمد صالح بن احمد مازندرانی، تحقیق ابوالحسن اشعری، تهران: المكتبة الإسلامية، اول، ۱۳۸۲ ق.
- شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، اول، ۱۴۰۴ ق.
- العدة فی أصول الفقه، محمد بن حسن طوسی، قم: محمد تقی علاقبندیان، اول، ۱۴۱۷ ق.
- العین، خلّیل بن احمد فراهیدی، قم: نشر هجرت، دوم، ۱۴۰۹ ق.
- فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، احمد ابن عبدالرزاق الدویش، عربستان-ریاض: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء؛ الإدارة العامة للطبع، الرياض، الأولى، بی تا.
- الفكر الخالد فی بیان العقائد، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، اول، ۱۴۲۵ ق.
- فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول، محمد بن حسن طوسی، تحقیق و تصحیح عبدالعزيز طباطبائی، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي، اول، ۱۴۲۰ ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح و تحقیق دارالحدیث، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۲۹ ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوند، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- کامل الزیارات، جعفر بن محمد ابن قولویه، تحقیق عبد الحسین امینی، نجف اشرف: دارالمرتضویة، اول، ۱۳۵۶ ش.
- کتاب التوحید وإثبات صفات الرب، اسحاق ابن خزیمه، تحقیق عبد العزيز بن إبراهيم الشهوان، ریاض: مكتبة الرشيد - الرياض، الخامسة، ۱۹۹۴ م.

- کتاب نکاح، موسی شبیری زنجانی، تحقیق موسسه پژوهشی رای پرداز، قم: موسسه پژوهشی رای پرداز، اول، ۱۴۱۹ق.
- الكشف الوافی فی شرح أصول الکافی، محمد هادی بن معین الدین محمد (آصف شیرازی) شریف شیرازی، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۳۰ق.
- کفایة الاصول (با تعلیقة زارعی سبزواری)، محمد کاظم آخوند خراسانی، قم: موسسه النشر الاسلامی، ششم، ۱۴۳۰ق.
- کفایة المهتدی فی معرفة المهتدی علیه السلام، محمد بن محمد میرلوحی سبزواری، قم: دارالتفسیر، اول، ۱۴۲۶ق.
- کمال الدین و تمام النعمة، صدوق، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، دوم، ۱۳۹۵ق.
- لجنة الفتوى بالشبكة الإسلامية، فتاوى الشبكة الإسلامية، بی جا، ۱۴۳۰ق. (موجود در نرم افزار المكتبة الشاملة)
- لسان العرب، ابن منظور، تحقیق جمال الدین میردامادی، بیروت: دارصادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
- مجمع البحرين، فخر الدین طریحی، تحقیق احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵ش.
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ش.
- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علی بن ابی بکر هیشمی، تحقیق حسام الدین قدسی، قاهره: مكتبة القدسی، بی جا، ۱۴۱۴ق.
- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، مرتضی مطهری، قم: صدرا، هشتم، ۱۳۷۲ش.
- مختصر البصائر، حسن بن سلیمان حلی، تصحیح مشتاق مظفر، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، اول، ۱۴۲۱ق.
- مرآة العقول، محمد باقر مجلسی، تصحیح رسول محلاتی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، دوم، ۱۴۰۴ق.
- مسند الامام احمد بن حنبل، احمد بن حنبل، تحقیق عرقسوسی و دیگران، بیروت: مؤسسه الرسالة، اول، ۱۴۱۶ق.
- مسند الدارمی، عبدالله بن عبدالرحمن دارمی، تحقیق حسین سلیم دادانی، ریاض: دارالمغنی، اول، ۱۴۲۱ق.

- مسند عبد بن حميد، عبد بن حميد، بي تا.
- مشرق الشمسيين واكسير السعادين، بهايي، تحقيق مهدي رجائي، مشهد: آستانة الرضوية المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية، دوم، ١٤٢٩ق.
- المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، احمد فيومي، قم: موسسه دارالهجرة، دوم، ١٤١٤ق.
- معالم الدين وملاذ المجتهدين، حسن بن زين الدين، قم: دفتر انتشارات اسلامي، نهم، بي تا.
- معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، علي الكوراني العاملي، موسسه المعارف الاسلاميه-قم، ١٤١١ق.
- معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خويي، بي جا: پنجم، ١٤١٣ق.
- معجم مقاييس اللغة، ابن فارس، تصحيح عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتب الاعلام الاسلامي، اول، ١٤٠٤ق.
- مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهاني، بيروت: دارالقلم، اول، ١٤١٢ق.
- موسوعة العلامة الامام مجدد العصر اللبناني، محمد الباني، صنعه شادي بن محمد بن سالم آل نعمان، صنعاء - اليمن: مركز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية وتحقيق التراث والترجمة، الأولى، ١٤٣١ق.
- الميزان في تفسير القرآن، محمد حسين طباطبائي، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، دوم، ١٣٩٠ق.
- النهاية في غريب الحديث والأثر، ابن اثير، تحقيق محمود محمد طناحي وطاهر احمد زاوي، قم: موسسه مطبوعاتي اسماعيليان، چهارم، ١٣٦٧ش.
- الوافي، فيض كاشاني، اصفهان: كتابخانه امام أمير المؤمنين علي عليه السلام، اول، ١٤٠٦ق.
- ولادة الإمام المهدي، بشير نجفي، تحقيق مركز الدراسات التخصصية في الإمام المهدي عليه السلام، بي جا: بي تا.
- «الحق المبين في معرفة المعصومين عليهم السلام» بحوث مستفادة من محاضرات المرجع الديني آية الله الوحيد الخراساني، علي الكوراني العاملي، بي جا، دوم، ١٤٢٤ق/ ٢٠٠٣م.
- «دوازه امام درتورات؛ نگاهي نوبه بشارت ابراهيم در سفر پيدايش»، هادي علي تقوي و محمد قندهاري و محسن فيض بخشي، امامت پژوهي، شماره ١٢، زمستان ١٣٩٣.
- «گونه شناسی آثار عقلانی عصر ظهور»، جواد جعفری و روح الله دريكوندي، انتظار موعود،

_ <http://www.havzah.net/fa/Article/view/51167/>